

استقامت

حضرت بهاء الله، حضرت عبدالبهاء

اصلي فارسی



لوح رقم (108) امر و خلق - جلد 3

۱۰۸ - استقامت

و نیز از حضرت بهاء الله است قوله الاعلی: اول الامر هو عرفان الله و آخره الاستقامة علیه كذلك قدر من لدن قوی قدير .

و قوله الاعز: رأس القدرة و الشجاعة هی اعلاء كلمة الله و الاستقامة علی حبه .

و در کتاب اقدس قوله جلّ و عزّ: كونوا مظاهر الاستقامة بین البریة علی شأنٍ لا تمنعكم شبهات الذین كفروا بالله اذ ظهر بسلطانٍ عظیم .

و قوله الاسنی: اثمار سدره انسان توکل و استقامت است تمسک بهما امرأ من لدی الله الامر الحکیم هریک از احبای الهی باید بمثابة جبل ثابت و راسخ باشد و معرضین و منکرین را معدوم شمرد

و قوله الابهی: اکلیل اعمال استقامت است بآن متمسک شوید و اعظم از کلّ مقامات است به آن ناظر باشید او است از عطیة کبری که صاحب خود را از اشارات ملحدین و وساوس شیطین و نفاق ناعقین حفظ فرماید او است درعی که به ایادی قدرت صانع حقیقی بافته شده . و قوله الاعظم: هر نفسی الیوم بر این امر اقدس ارفع امنع مستقیم شود مقابل است با کلّ من فی السموات و الارض و کان الله علی ذلک لشهید و علیم .

و در لوح طب قوله الاجلّ: بگو الیوم دو امر محبوب و مطلوب است یکی حکمت و بیان و ثانی الاستقامة علی امر ربکم الرحمن هر نفسی باین دو امر فائز شد عند الله از اهل مدینه بقا محسوب و مذکور چه که باین دو امر



ORIGINAL

امر الهی ما بین عباد ثابت شده و خواهد شد چه که اگر حکمت و بیان نباشد کل مبتلا خواهند شد درین صورت نفسی باقی نه تا ناس را بشریعه احدیه هدایت نماید و اگر استقامت نباشد نفس ذاکر مؤثر نخواهد بود .

و قوله الاجمل : برستی میگویم آنچه الیوم اعظم و اسبق کل اعمال است استقامت بر امر بوده مع آنکه این امر محکم در اکثری از الواح نازل و ثابت به مجرد ارتفاع نعیمی ناس مضطرب مشاهده شدند باید دوستان حق بانوار اطمینان از افق ایقان ظاهر و مشرق گردند جمیع را بر استقامت کبری دعوت نمایند ایام توقف مالک اسماء در زوراء و ارض سرّ و سجن اعظم جمیع عباد را به نفاق ناعقین و ندای متوهّمین اخبار نمودیم معذک مشاهده شد که بعضی بندای لا یسمن و لا یغنی از بحر معانی محروم ماندند قل یا احبّائی خذوا زمام الامر ثمّ احفظوه باسم ربکم العلیم الحکیم . و در لوحی دیگر است قوله الامنع : آن جناب باید در کلّ احیان به کمال جدّ و جهد سعی باشند که شاید اشجار نفوس از هر ریخی متحرّک نشوند و به هر خاری نلغزند چنانچه درین ایام نفس مجهولی در یکی از مدن الله بدعوی برخاست و بعضی از غافلین اقبال نمودند الی أنّ عرفوا و رجعوا الی الله و کانوا من التّائیین .

و از حضرت عبدالهاء است قوله العزیز : انسان باید مانند کوه آهنین رزین و رصین باشد و مقاومت هر مشکلات نماید و تا چنین نگردد کار به انجام نمیرسد .

و قوله الجلیل : زیرا استقامت شرط است و در قرآن میفرماید انّ الذّین قالوا ربّنا الله ثمّ استقاموا تتنزل علیهم الملائکة در امری استقامت کند مغناطیس توفیق و تأیید شود .

و در یکی از آثار است : میرزا محمد حسین طبیب ... وقتی که جمیع اهل عراق بر اعراض و اعتراض قیام نمودند و در منابر و اسواق به ضرب و شتم احبّای الهی مشغول بودند بعضی احباب را با جناب طبیب مذکور به مقرّ حکومت بردند در آن اثناء مترجم یکی از دول مکالمه نمود ... مترجم گفت تو چکاره که با من بالواسطه این قسم تکلم مینمائی جناب طبیب ذکر نمودند تو چکاره ای او مذکور نمود من مترجم دولتم جناب طبیب مذکور نمود من هم مترجم ملّتم باری در آن مجلس که منبع مخالفین از اعزّه مملکت حاضر بودند و همچنین حکام مجتمع معذک ایشان به کمال استقامت و قوّت و قدرت تکلم نمودند و هرگز این فقره از لوح عالم محو نخواهد شد چه که لأجل ارتفاع کلمة الله تکلم نموده و سطوت دولت و ضوضاء ملّت او را از محبة الله منع نموده و بعد البته شنیده اند چگونه ایشان و احباب را از عراق اسیر کردند و به موصل فرستادند حال لحاظ الهی باین عمل او که فوق اعمال است ناظر است .